



سخنگوی شورای نگهبان:

از قرارداد ایران و چین حمایت کنیم

گروه سیاست: سخنگوی شورای نگهبان در آستانه چهلمین سالروز تأسیس شورای نگهبان در نشست خبری که به دلیل شرایط کرونا و تمهیدات بهداشتی به‌صورت حضوری و آنلاین برگزار شد، ضمن ارائه گزارشی از عملکرد شورای نگهبان...

صفحه ۲

یکشنبه ۲۲ تیر ۱۳۹۹ • ۲۰ ذی‌القعده ۱۴۴۱ • ۱۲ جولای ۲۰۲۰

تترها

قالبیاف زیر فشار جوانان اصولگرا

صفحه ۲

محمد هاشمی‌رفسنجانی:

مقایسه روحانی و بنی‌صدر ظلم بزرگی است

صفحه ۲

سکوت اوقاف در پرونده «آق مشهد»

صفحه ۴

سر نوشت آدم‌های ته شهر

صفحه ۶

جو بایدن برنده بحران

صفحه ۸

مدیرعامل بانک تجارت تأکید کرد

تداوم پیشرفت بانک با بهینه‌سازی منابع

صفحه ۵

ناامن‌های بی‌نشان

صفحه ۹

حرف اول

قرارداد ایران و چین و نقض حق دسترسی به اطلاعات

کامبیز نوروزی : حقوق‌دان



موضوع قرارداد ۲۵ساله ایران و چین، از داغ‌ترین موضوعات این روزهاست. ♦ گمانه‌زنی اولین بار رسانه‌های غیرفارسی‌زبان اطلاعاتی از آن منتشر کرده‌اند و مدعی صحت این اطلاعات‌اند. دولت و مقامات دولتی سکوت کرده‌اند. گروهی این قرارداد را به‌عنوان سندی مغایر با منافع ملی ایران ارزیابی می‌کنند. مقامات دولتی اما بدون ذکر جزئیات قرارداد آن را به‌عنوان اقدامی درخشان معرفی می‌کنند که منافع ایران را در بالاترین حد محفوظ می‌دارد. فعلا گفت‌وگو بر سر سایه‌هاست؛ چیزی شبیه داستان فیل در مثنوی شریف. هیچ منبع رسمی ایرانی، از جزئیات این قرارداد خبری نداده است. مشکل درست در همین‌جاست که آن را در یک کلمه می‌توان بیان کرد: «شفاف‌سازی». دولت حسن روحانی شعارهای فراوانی برای شفافیت و گردش اطلاعات داد اما به آنها عمل نکرد. دولت لایحه‌ای را از تصویب مجلس گذراند به نام قانون دسترسی آزاد به اطلاعات و بر سر آن تبلیغات بسیار کرد. قانونی که از همان ابتدا پیدا بود سترون و بی‌اثر است و در عمل بیهودگی این قانون اثبات شد. بعد از آن «منشور حقوق شهروندی» را منتشر کردند که آن نیز جز یک متن بی‌اثر نبود. در آن بازمه سخنها رفت از چیزهایی مثل آزادی گردش اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات... که دولت به آن شغار پایبند نبود. یک نمونه‌اش حالا همین قرارداد ایران و چین است. اینجا بحث از محتوای این قراداد نیست که چیزی از آن نمی‌دانم. نه اطلاعات پراکنده منابع نامشخص، نه آنچه در برخی نشریات انگلیسی‌زبان منتشر شده و نه سخنان مقامات رسمی کشور؛ هیچ‌کدام منابعی قابل‌اعتماد برای تحلیل در اختیار قرار نمی‌دهند. سخن بر سر آن نیست که این قرارداد چیست و آیا سندی است متضمن استقلال، سربلندی و حاوی منافع و سعادت مردم ایران یا سندی است در راستای منافع چین به‌عنوان یکی از قدرت‌های روبه رشد جهانی. سخن اصلی این است که چرا دولت به تعهد خود در برابر ملت از حیث گردش اطلاعات بی‌اعتناست و اطلاعات دقیق و درست از این قرارداد نمی‌دهد. مذاکرات از کی شروع شده است؟ قرارداد در چه مرحله‌ای است؟ آیا هنوز مذاکرات بر سر مفاد آن ادامه دارد؟ آیا قرارداد امضا شده است؟ متن قرارداد یا پیش‌نویس آن چیست؟ ضمانت قرارداد چه چیزهایی هستند؟

ادامه در صفحه ۴

رشوه‌بگیران بزرگ بانکی

پرونده بزرگ قاجاق ارز اسدبیگی، پرونده مدیران سابق بانک مرکزی را باز کرد

اولین جلسه دادگاه مدیران بانک مرکزی از جهت گرهِ‌خوردن این پرونده با پرونده ارزی هفت‌تپه و امید اسدبیگی و شرکایش، بسیار پرخبر بود. این جلسه به قرائت کیفرخواست اتهامات مدیران بانک مرکزی گذشت و پرده از مبالغ میلیاردی رشوه‌هایی که اسدبیگی‌ها میان برخی از مسئولان پخش کرده بودند، برداشت؛ از بانک مرکزی گرفته تا وزارت صمت، محسن صالحی و رسول سجاد، دو مدیر سابق بانک مرکزی، در این جلسه دادگاه به همراه سایر متهمان کیفرخواستشان خوانده شد. به گفته نماینده



صفحه ۱۱

یادداشت

چرا به روحانی رأی دادیم؟



مراد راهداري
استاد دانشگاه

۲. در نقد مملکت‌داری باید توجه کرد که تقسیم قدرت در یک نظام چگونه است؟ کانون قدرت تصمیم‌گیری کجاست؟ سهم و اندازه دولت چقدر است؟ با توجه به اینها، از کجا می‌دانید اگر دولتی دیگر متصدی می‌شد، وضعیت بهتر می‌بود؟! ۳. ما در حال جنگ با بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی و نظامی جهان هستیم. سهم آمریکا در اقتصاد جهانی بالاست و اکثریت قاطع کشورها، حتی کشورهای دوست، حاضر نیستند در برابر تعاملات اقتصادی با ما، از تعاملات با آمریکا بگذرند. آنها منافع ملی خود را ارزیابی می‌کنند و با توجه به آن، روابط تجاری‌شان را تنظیم می‌کنند. ۴. ما از میان سه شاخص تصمیم‌گیری در روابط بین‌الملل، به فرمایش مقام معظم رهبری: «حکمت، مصلحت و عزت» بیش از اینکه انتخاب حکیمانه را معیار قرار دهیم یا مصلحت‌اندیشی داشته باشیم، روی عزت‌مداری کار و تأکید کرده‌ایم، السف، حمایت احزاب یا افراد در این نوع انتخابات‌ها به مفهوم آن نیست که در طول مدیریت، انتقادی بر سیاست‌گذاری‌ها و عملکرد در آینده نخواهند داشت؛ همان‌طورکه بیشتر افراد ذکرشده، بیشترین انتقادهای علمی را برای کمک به دولت و جامعه، آن‌هم گاهی با شدیدترین لحن داشته‌اند. رصد این ادعا در مطبوعات و رسانه‌ها دشوار نیست. ب. برای وضعیت نامطلوب اقتصادی فعلی که موجب توجه و دل‌سوزی همه علاقه‌مندان به انقلاب اسلامی شده است، باید واقع‌بینانه اظهارنظر کرد. اگرچه بخشی از مشکلات ناشی از ضعف در سیاست‌گذاری‌هاست، فرضاً منظورکردن یک میلیون بشکه صادرات روزانه نفت در بودجه ۹۹ درحالی‌که می‌دانستیم محقق نمی‌شود و ناچار به رشد پایه پولی، تضعیف ریال و رشد پول خارجی یعنی ارز و مواجهه با تبعات آن خواهیم شد؛ می‌توانستیم از پیش راه‌های تأمین مالی مناسب‌تر و واقع‌بین‌تری با توجه به شرایط در نظر بگیریم، مثل واگذاری بسیاری از طرح‌ها به سرمایه‌گذاران داخلی از طریق قراردادهای مختلف از جمله BRT و...؛ اما باید توجه داشت که:

۱. در هر انتخاباتی، مردم از میان گزینه‌های داده‌شده و موجود، فردی که برتری نسبی برای آن کار دارد برمی‌گزینند؛ یعنی انتخاب مقید دارند. حتی چه‌بسا رقیب را نیز تأیید کنند و درباره تصدی امور دیگر امتیاز بیشتری نیز به او بدهند، ولی برای موضوع مورد نظر که در اینجا قوه مجریه مراد است، مجموع امتیاز او کمتر باشد. همچنین می‌تواند مواردی بیرون از سید موجود، ایدئال انتخاب مردم باشد که از آن به هر دلیل محروم شده باشند. ۲. در نقد مملکت‌داری باید توجه کرد که تقسیم قدرت در یک نظام چگونه است؟ سهم آمریکا در اقتصاد جهانی بالاست و اکثریت قاطع کشورها، حتی کشورهای دوست، حاضر نیستند در برابر تعاملات اقتصادی با ما، از تعاملات با آمریکا بگذرند. آنها منافع ملی خود را ارزیابی می‌کنند و با توجه به این، روابط تجاری‌شان را تنظیم می‌کنند. ۳. ما از میان سه شاخص تصمیم‌گیری در روابط بین‌الملل، به فرمایش مقام معظم رهبری: «حکمت، مصلحت و عزت» بیش از اینکه انتخاب حکیمانه را معیار قرار دهیم یا مصلحت‌اندیشی داشته باشیم، روی عزت‌مداری کار و تأکید کرده‌ایم، السف، حمایت احزاب یا افراد در این نوع انتخابات‌ها به مفهوم آن نیست که در طول مدیریت، انتقادی بر سیاست‌گذاری‌ها و عملکرد در آینده نخواهند داشت؛ همان‌طورکه بیشتر افراد ذکرشده، بیشترین انتقادهای علمی را برای کمک به دولت و جامعه، آن‌هم گاهی با شدیدترین لحن داشته‌اند. رصد این ادعا در مطبوعات و رسانه‌ها دشوار نیست. ب. برای وضعیت نامطلوب اقتصادی فعلی که موجب توجه و دل‌سوزی همه علاقه‌مندان به انقلاب اسلامی شده است، باید واقع‌بینانه اظهارنظر کرد. اگرچه بخشی از مشکلات ناشی از ضعف در سیاست‌گذاری‌هاست، فرضاً منظورکردن یک میلیون بشکه صادرات روزانه نفت در بودجه ۹۹ درحالی‌که می‌دانستیم محقق نمی‌شود و ناچار به رشد پایه پولی، تضعیف ریال و رشد پول خارجی یعنی ارز و مواجهه با تبعات آن خواهیم شد؛ می‌توانستیم از پیش راه‌های تأمین مالی مناسب‌تر و واقع‌بین‌تری با توجه به شرایط در نظر بگیریم، مثل واگذاری بسیاری از طرح‌ها به سرمایه‌گذاران داخلی از طریق قراردادهای مختلف از جمله BRT و...؛ اما باید توجه داشت که:

۱. در هر انتخاباتی، مردم از میان گزینه‌های داده‌شده و موجود، فردی که برتری نسبی برای آن کار دارد برمی‌گزینند؛ یعنی انتخاب مقید دارند. حتی چه‌بسا رقیب را نیز تأیید کنند و درباره تصدی امور دیگر امتیاز بیشتری نیز به او بدهند، ولی برای موضوع مورد نظر که در اینجا قوه مجریه مراد است، مجموع امتیاز او کمتر باشد. همچنین می‌تواند مواردی بیرون از سید موجود، ایدئال انتخاب مردم باشد که از آن به هر دلیل محروم شده باشند. ۲. در نقد مملکت‌داری باید توجه کرد که تقسیم قدرت در یک نظام چگونه است؟ سهم آمریکا در اقتصاد جهانی بالاست و اکثریت قاطع کشورها، حتی کشورهای دوست، حاضر نیستند در برابر تعاملات اقتصادی با ما، از تعاملات با آمریکا بگذرند. آنها منافع ملی خود را ارزیابی می‌کنند و با توجه به این، روابط تجاری‌شان را تنظیم می‌کنند. ۳. ما از میان سه شاخص تصمیم‌گیری در روابط بین‌الملل، به فرمایش مقام معظم رهبری: «حکمت، مصلحت و عزت» بیش از اینکه انتخاب حکیمانه را معیار قرار دهیم یا مصلحت‌اندیشی داشته باشیم، روی عزت‌مداری کار و تأکید کرده‌ایم، السف، حمایت احزاب یا افراد در این نوع انتخابات‌ها به مفهوم آن نیست که در طول مدیریت، انتقادی بر سیاست‌گذاری‌ها و عملکرد در آینده نخواهند داشت؛ همان‌طورکه بیشتر افراد ذکرشده، بیشترین انتقادهای علمی را برای کمک به دولت و جامعه، آن‌هم گاهی با شدیدترین لحن داشته‌اند. رصد این ادعا در مطبوعات و رسانه‌ها دشوار نیست. ب. برای وضعیت نامطلوب اقتصادی فعلی که موجب توجه و دل‌سوزی همه علاقه‌مندان به انقلاب اسلامی شده است، باید واقع‌بینانه اظهارنظر کرد. اگرچه بخشی از مشکلات ناشی از ضعف در سیاست‌گذاری‌هاست، فرضاً منظورکردن یک میلیون بشکه صادرات روزانه نفت در بودجه ۹۹ درحالی‌که می‌دانستیم محقق نمی‌شود و ناچار به رشد پایه پولی، تضعیف ریال و رشد پول خارجی یعنی ارز و مواجهه با تبعات آن خواهیم شد؛ می‌توانستیم از پیش راه‌های تأمین مالی مناسب‌تر و واقع‌بین‌تری با توجه به شرایط در نظر بگیریم، مثل واگذاری بسیاری از طرح‌ها به سرمایه‌گذاران داخلی از طریق قراردادهای مختلف از جمله BRT و...؛ اما باید توجه داشت که:

ادامه در صفحه ۴



غفوری‌فرد:

انتقاد صریح از شعار «دولت باید سقوط کند»

گروه سیاست: حسن غفوری‌فرد، عضو جبهه پیروان خط امام و رهبری گفت: شرایط کشور به‌گونه‌ای است که فارغ از اینکه در رأس دولت یا درون آن چه کسانی حضور دارند، باید نهایت کمک را به دولت و مسئولان داشت. بنا بر اندیشه و تأسی از حضرت امام...

صفحه ۲

سال هفدهم • شماره ۳۷۶۴ • موقتا ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

خودزنی دولت

کمال اطهاری : کارشناس اقتصاد توسعه



مارکس در مقاله‌ای درباره وضع قانون عجولانه و بی‌مطالعه الغای تکدی‌گری از سوی دولت پروس، و شورش بافندگان کرسنه، در پی آن می‌گوید: «دولت بر بنیان تضاد میان زندگی عمومی و خصوصی، میان منافع عام و خاص بنیاد گذاشته شده‌است... اگر دولت مدرن می‌خواست به ناتوانی مدیریت خود پایان دهد، ناگزیر بود شرایط کنونی زندگی خصوصی را ملغا کند و اگر دولت می‌خواست این شرایط زندگی خصوصی را ملغا کند، به وجود خویش هم پایان می‌داد؛ زیرا دولت فقط در رابطه با آن وجود دارد... دولت هرچه نیرومندتر و بنابرین کشور هر چه سیاسی‌تر است، کمتر احتمال دارد که در جست‌وجوی پلشتی‌های اجتماعی باشد و دلیل آنها را در اصل خود دولت یعنی در ساختار جامعه درک کند» (تأکید از مارکس است). یعنی اینکه دولت (حوزه سیاسی) نماینده منافع عام جامعه است نه تابع منافع خرد و کوچک خصوصی افراد و نباید دلیل آن شود که حوزه خصوصی یا جامعه مدنی محدود و ضعیف شود. در این صورت دولتی که برای اصلاح امور، همه قدرت را برای خود بخواد، مانند فربه‌ای پرخور، خودزنی می‌کند. به‌عبارت‌دیگر منافع عام باید از توافق آزادانه و آگاهانه جامعه مدنی در حوزه عمومی (رسانه‌ها، انجمن‌ها، شوراهא، سندیکاهא، محافل و...) حاصل شود، نه توسط حوزه سیاسی که به‌جای جامعه، وضع قانون کند، حتی اگر این قانون به نظر خیرخواهانه باشد. زیرا اگر هم موفقیت اولیه غرورآفرینی حاصل شود، به‌تدریج حوزه سیاسی یا دیوانسالاران مغرور آن تنها به حفظ و تداوم منافع خود خواهند اندیشید نه کل جامعه و نیز به‌تدریج دولت هم بر اثر انحصارطلبی و رانت‌جویی و فساد عقلانیتش تضعیف می‌شود و هم از دریای عقلانیت و خلاقیت کل جامعه بی‌بهره می‌ماند. به‌این‌ترتیب دولت با تضعیف جامعه مدنی، خود به حیاتش پایان می‌دهد.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی دلیلی کافی برای این استدلال مارکس برای همه کشورهاست. چنین هشداری را روزا لوگزامبورگ و لینن و تروتسکی و بعد از وی گرامشی به استالین دادند. گرامشی که بر اثر برآمدن فاشیسم، اهمیت جامعه مدنی را دریافته بود، می‌گفت شوروی یک کشور سیاسی قوی اما با جامعه مدنی ضعیف است و این بسیار خطرناک خواهد شد. به‌عبارت‌دیگر حوزه سیاسی باید حوزه مدنی را قانع کند تا تأقیب بر نی‌ماند، نه فقط بر آن در فرمان برند. اما استالین که می‌اندیشید برای تحقق منافع عام، با بزرگ‌کردن دولت (به‌عنوان نماینده منافع عام) باید شرایط نابودی منافع خاص یا جامعه مدنی را فراهم کرد، در عمل شرایط نابودی این دولت را مهیا کرد. زیرا پس از آنکه دولت بزرگ، از اتحاد شوروی یک ابرقدرت ساخت، بحران‌های اقتصادی و عقب‌ماندگی فنی، کشاورزی و... نیز فرارسید. برزنف هرچند طرفدار کشور سیاسی قوی بود و به همین خاطر به افغانستان لشکر فرستاد، به دنبال وقوع بحران‌های اقتصادی در دهه ۱۹۷۰ اصلاحات را ناچار دید. اما بازهم این اصلاحات فرمایشی و فرامی‌از بالا بود و جامعه مدنی جایی در آن نداشت. نهادهای بازار رقابتی هم تشکیل نشد و در عوض دست مدیران صنعتی را باز گذاشتند تا شوراهای کارگری را از مدیریت حذف کنند؛ آن‌هم درست زمانی که ژاپنی‌ها دریافته بودند نزدیک به ۹۰ درصد کشورها و متفکران (از آن جمله گرامشی) باعث ازدیاد بهره‌وری، تولید و کیفیت آن می‌شود. در واقع آنها نمی‌دانستند که این ایدئولوژیک‌بودن شورواها در محیط کار است که باید اصلاح شود، نه مشارکت آنها در فرآیند تولید. به‌این‌ترتیب بحران تشدید شد و از ۱۹۸۵ گلاسگوف و پروس‌تویکای کورباچوف در دستور کار قرار گرفت اما هم دیگر از لحاظ سیاسی دیر شده بود و هم دیگر آن دیوانسالاری و مدیران فاسدشده با اصلاحات ناقص قبلی انگیزه‌ای برای اصلاحات باقاعی نداشتند. به‌این‌ترتیب دولت در اتحاد جماهیر شوروی خود به حیات خود پایان داد. خلاف چیزی‌ها که از تجربه همه کشورها و متفکران (از آن جمله گرامشی) درس گرفتند تا اصلاحات اقتصادی خود را با اقناع و انگیزه‌بخشی به جامعه پیش ببرند. برای مثال این اصلاحات را از روستاها که اکثریت مردم چین را در خود جای می‌دادند، با تعریف رقابت مشارکتی با تشکیل شرکت‌های شهرک-روستایی، آغاز کردند که پرداختن به آن مجال